گفت و گو با پیمان خازنی (آهنگساز) و پویان رمضانی (تنظیم‌کننده) درباره آلبوم‌های «فکر و فریاد» و «پریچهره»

به دنبال موسیقی بی‌واسطه

محمود توسلیان

پیمان خازنی و پویان رمضانی از دسته موزیسین های نسل جدید هستند. خازنی بیشتر علاقه دارد به واسطه موسیقی بی کلام با مخاطب ارتباط برقرار کند. به بهانه انتشار دو آلبوم جدید از این دو موزیسین با آنها به گفت و گو نشستیم.

– در آلبوم فکر و فریاد، آهنگ‌هایی با ملودی‌های ساده شنیده می‌شود، چطور شما در شرایط فرهنگی- اجتماعی و هنری حال حاضر به فکر ساخت این نوع ملودی‌ها افتادید در حالی که بیشتر آهنگسازان از گرایش به ملودی‌های ساده رویگردان شده‌اند؟

خازنی: سادگی و در عین حال استحکام، روشی است که در کل دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد. ملودی‌های ساده و روان در نخستین ارتباط، در ذهن مخاطب جا می‌گیرد و خاطره‌انگیز می‌شود به طوری که از یک نسل به نسل دیگر و از یک دهه به دهه دیگر سینه به سینه منتقل می‌شود. این روند در موسیقی ایرانی هم وجود داشته؛ بسیاری از ملودی‌هایی که امروز زمزمه می‌شود از نسل گذشته باقی مانده و از همان عنصر سادگی و روانی برخوردار بوده است. من در مجموعه‌های موسیقی باکلام، از این روش پیروی می‌کنم.

– خب چرا موسیقی‌های باکلام شما از این مدار خارج است؟

خازنی: موسیقی بی‌کلام مخاطب دیگری دارد. موسیقی باکلام، موسیقی مردم است، منظورم موسیقی توده خاص و توده عام مردم است. اگر بنا باشد در یک مجموعه باکلام هم مخاطب خاص و هم مخاطب عام را جذب کنیم، به نظر من باید به سراغ ملودی‌های ساده برویم. در موسیقی بی‌کلام من با مخاطبان خاص طرف هستم؛ مخاطبانی که به طور تخصصی موسیقی باکلام و موسیقی بی‌کلام را تعقیب می‌کنند بنابراین در اینجا من به سراغ ملودی‌های پیچیده می‌روم.

– البته سادگی‌ای که از آن در مجموعه فکر و فریاد صحبت می‌کنیم در بحث تنظیم دچار پیچیدگی‌ها و زیورها شده است.

خازنی: این وظیفه تنظیم‌کننده است که خطوط ملودی را چندگانه کند؛ چون خطوط ملودی به صورت افقی است و خطوط دیگر به شکل عمودی در زیر آن قرار می‌گیرد که از بعد افقی و کنترپوان بررسی می‌شود. حال وظیفه تنظیم‌کننده این است که ملودی ساده را که آهنگساز با تامل سعی کرده به طور شیوا بیان کند، با کنتراست‌هایی برای مخاطب، به ویژه مخاطب خاص، متنوع کند که خستگی ایجاد نشود.

– در نتیجه برای شما تنظیم‌کننده‌ها هر چه ملودی ساده‌تر باشد، جای کار بیشتری دارد و امکان نمایش بیشتری هست.

رمضانی: بله! من قبلاً هم گفته‌ام که هر چه ملودی ساده‌تر باشد، کار ما سخت‌تر می‌شود. وقتی ملودی پیچیده باشد، بافت ارکستر هم آن را پیچیده‌تر می‌کند و اثر دیرفهم می‌شود و ما هم نمی‌خواهیم این اتفاق بیفتد.

– ساخت ملودی ساده، ساده است؟

خازنی: خیلی سخت است.

– چرا؟

خازنی: زمانی که شما ملودی ساده‌ای می‌سازید، باید بتوانید مخاطب را راضی کنید؛ راضی کردن مخاطب با چند نت سیاه و سفید، کار مشکلی است. شما باید شعر را خوب بشناسی و بر تقطیع اشراف داشته باشی. اگر شعر خوب ادا نشود و تقطیع‌ها بجا اجرا نشود، مخاطب راضی نمی‌شود. ریتم‌ها و ملودی‌های پیچیده ذهن مخاطب را در برخورد نخست درگیر نمی‌کند و باید چند بار قطعه را گوش دهد تا به زوایای کار پی ببرد؛ اما یک ملودی ساده، ذهن مخاطب را به سرعت به سمت خود می‌کشد و به راحتی پی به ایرادهای کار می‌برد. ساخت یک ملودی ساده و شیک که بتواند مخاطب را ارضا کند، خیلی سخت است. البته یک نکته را هم اضافه کنم که موسیقی عام، مخاطب عام دارد و عناوین متعددی مثل موسیقی مصرفی و امثال آن دارد اما در موسیقی بی‌کلام شما با مخاطبی طرف هستید که به طور مستقیم با زبان موسیقی سر و کار دارد و قطعه بی‌کلام بدون واسطه‌ای مثل شعر سخنش را بیان می‌کند بنابراین در این نوع کارها، کار پیچیده‌تر هم می‌شود. در واقع در این نوع کارها، هر چه ملودی پیچیده‌تر و نوتر باشد، مورد پسندتر خواهد بود، حال آنکه در موسیقی باکلام هر چه اثر ساده‌تر باشد، برای مخاطب جذاب‌تر خواهد بود. این چیزی است که تاریخ نشان داده است.

– وقتی موسیقی شما را می‌شنویم، احساس می‌کنیم شما اصرار دارید خود را به سمت مردم پرتاب کنید، حال آنکه موسیقی ردیفی ایرانی از دوران قجر گرفته تا زمان گلها و چاووش‌ها، به طبقه خاصی از مردم متعلق بوده، برای ورود به ذهن عموم جامعه از چه المان‌هایی استفاده کردید؟

خازنی: من سعی کرده‌ام در کارهایم چارچوب مستحکم ردیف‌های موسیقی ایرانی را اعم از گردش‌های دستگاهی و سیر درجات و همچنین در بعضی بخش‌ها و حوزه‌ها هم اگر از افکار نوگرایانه و مدولاسیون‌های غیرمتداول استفاده می‌کنم، با اشراف این کارها را انجام دهم یعنی با شناخت ساختارشکنی می‌کنم. در جامعه کنونی و در میان اقشار عمومی جامعه، یک نوع فاصله میان این اقشار و موسیقی سنتی احساس می‌کنیم. موسیقی سنتی، موسیقی محض است و یکی از علل این فاصله انتخاب نوع اشعار است. من سعی کردم با انتخاب اشعار و تلفیق شعر و موسیقی، شکست‌های امروزی و حرکت‌های جاذب را در ساخته‌هایم به وجود بیاورم و از این راه بتوانم این فاصله را کم کنم. مدعی نیستم که موسیقی خاصی ارائه می‌دهم، چون ریتم‌هایی مثل شش و هشت یا دوچهارم، ریتم‌های ایده‌آل جامعه ما نیستند، اما تلاشم در مسیر کاستن این فاصله است. المان‌های من هم در این کار، انتخاب شعر و همچنین فاصله‌هایی است که در نظر می‌گیرم مثل زمان استاندارد اورتور و میان‌وندها. سعی کردم نگاه شخصی به موسیقی‌ام نکنم و این مورد را در آلبوم پریچهر می‌بینید.

رمضانی: این نکته را هم در نظر داشته باشیم که مخاطبان موسیقی سنتی نسبت به کل شنونده‌های موسیقی، درصد کمی را تشکیل می‌دهند، بنابراین ما درباره جامعه خودمان صحبت می‌کنیم. در جامعه موسیقی سنتی، این حرکت نوعی تحول محسوب می‌شود. ما سعی کرده‌ایم فضا را از صرف موسیقی سنتی خارج کنیم و این حرکت کسانی را که از این موسیقی خسته شده‌اند مجدداً به سمت خود جذب کرده است. این مورد را به عینه مشاهده کرده‌ایم. یکی از روش‌های ما این است که کار ساخته شده را در بین دوستان و آشنایانی که موسیقیدان نیستند ولی موسیقی خوب را گوش می‌کنند، به معرض شنیدن می‌گذاریم. استقبالی که به وجود می‌آید، یکی از معیارهای ماست. گرچه معیار کوچکی است، اما نشان می‌دهد این حرکت مورد استقبال قرار گرفته است، حال آنکه بسیاری از اساتید با این روش- دخالت ارکستر کلاسیک، نوشتن ملودی بر پایه آکوردهای کلاسیک و حتی ورود پیانو- مشکل دارند. این نوع ساختارشکنی‌ها شاید به مذاق عده‌ای خوش نیاید، اما تجارب ما نشان داده این شکل کار مورد اقبال عمومی قرار گرفته است. فراموش نکنیم که ما هم باید از افتادن در مسیر یکنواختی بپرهیزیم و با رنگ‌آمیزی سازها و انتخاب اشعار در ساخته‌هایمان ایجاد تنوع کنیم.

خازنی: اگر کمی با دقت اوضاع مخاطبان را بررسی کنید، خوب مشاهده می‌کنید که قشر قابل توجهی از مردم به دنبال شنیدن موسیقی خوب هستند و سبک خاصی را دنبال نمی‌کنند. البته بگذریم از گروه‌هایی که سبک‌های موسیقایی خاص را تعقیب یا گوش می‌کنند، اما قاطبه جامعه به دنبال شنیدن موسیقی خوب اعم از موسیقی ملی، کلاسیک یا دیگر انواع موسیقی هستند. به نظر من، این قشر بزرگ در تیررس موسیقی ما قرار می‌گیرد. نکته دیگر اینکه با نگاهی اجمالی به موسیقی دوران پیش از انقلاب، انواع موسیقی ردیفی تحت عناوینی مثل موسیقی سنتی، موسیقی اصیل و موسیقی ایرانی را مشاهده می‌کنیم و نمونه‌های فراوانی از هر کدام از این ژانرها می‌بینیم. هر کدام از این انواع موسیقی، نگاه مستقل خود به موسیقی ایرانی را دنبال می‌کرد. ما خلاء این نوع نگاه و این گونه موسیقی را در بین مخاطبان امروز احساس کردیم و به این رسیدیم که علاقه‌مندان این نوع موسیقی، به علت نبود نوع دلخواه خود در مقطعی که زندگی می‌کنند، به سراغ همان نمونه‌های گذشته می‌روند و فقط به تجدید خاطرات می‌پردازند، بنابراین سعی کردیم این گونه موسیقی را با بیان امروزی به علاقه‌مندان آن ارائه دهیم.

رمضانی: هدف دیگر ما از انتخاب این موسیقی، ارائه آن در سطح بین‌المللی است. خب بالاخره ایرانیان مقیم خارج از کشور و کسانی که علاقه‌مند غیرایرانی موسیقی ایرانی هستند تعدادشان در سطح جهان کم نیست. اگر بخواهیم موسیقی ایرانی را به صورت موسیقی ردیفی محض ارائه دهیم، ممکن است با ذائقه آن افراد همخوانی نداشته باشد. بر همین مبنا، سعی در ارائه موسیقی ایرانی با تغییرات امروزی کردیم.

– موسیقی شما در بحث عنوان، زیرمجموعه کدام نوع از انواع موسیقی ایرانی تعریف می‌شود و به طور کلی، کدام نوع موسیقی ایرانی پیش از شما این فکر را دنبال می‌کرد؟

خازنی: اگر من بخواهم عنوانی برای این نوع موسیقی تعریف کنم، کلاسیک ایرانی را به آن اطلاق می‌کنم.

رمضانی: به نظر من موسیقی ایرانی تعدیل شده را می‌شود برای این نوع موسیقی تعریف کرد.

–یعنی به نسبت موسیقی کلاسیک تعدیل شده؟ منظور شما این است؟

خازنی: منظور استفاده از فواصل موسیقی کلاسیک است.

رمضانی: در واقع اساتید پیش از ما به طور جدی این مسیر را طی کرده‌اند و اگر ما این روش را انتخاب کرده‌ایم، دنباله‌رو آن اساتید هستیم.

خازنی: ما راه آن اساتید را با نگاه و فکر امروز و با در نظر گرفتن امکانات و تکنولوژی امروز طی می‌کنیم. همان طور که گفتم، من موسیقی کلاسیک ایرانی را به این ژانر اطلاق می‌کنم چون اصالت‌های موسیقی ایرانی را دارد و در عین حال به اصول کلاسیک هم پایبند است.

از راست: پویان رمضانی، پیمان خازنی

– منظور از کلاسیک، تفکر کلاسیک غربی است؟

خازنی: منظور من معادله‌سازی با موسیقی کلاسیک غرب نیست. اگر در آهنگسازی من دقت کرده باشید، می‌بینید که با یک نظم درونی همراه است درست مثل یک بنای معماری که از چند فضا و تقسیم‌بندی‌ها و قرینه‌هایی تشکیل شده است، درست مثل یک غزل که وقتی به اواسط آن می‌رسی، با ابیات ترجیع مواجه می‌شوی که پل ارتباطی قسمت پیشین با بخش پسین آن است. نظیر این موسیقی را به این شکل نمی‌بینید. من از درجات دستگاهی در آهنگسازی به شکلی بهره می‌برم که به راحتی بتوانم گردش‌های دستگاهی داشته باشم. مثلاً وقتی من آهنگی در دشتی می‌سازم، اگر یک درجه بالاتر بروم وارد راجع می‌شوم و اگر تغییر درجه داده و یک درجه بالاتر روم، به عشاق می‌رسم؛ می‌بینیم که این گردش‌ها در این کارها دیده می‌شود اما نه به طور سنتی و تحریرهای خاص ردیفی، بلکه بر اساس طرح‌های از پیش تعیین شده و با اجرای ارکستر. منظور من و بسیاری از کسانی که به موسیقی کلاسیک اشاره می‌کنند همین است، یعنی اجرای طرح‌های از پیش تعیین شده حتی برای خواننده. این اتفاقات در اجرای موسیقی سنتی رخ نمی‌دهد.

نکته

موسیقی بی‌کلام مخاطب دیگری دارد. موسیقی باکلام، موسیقی مردم است، منظورم موسیقی توده خاص و توده عام مردم است.
اگر بنا باشد در یک مجموعه باکلام هم مخاطب خاص و هم مخاطب عام را جذب کنیم، به نظر من باید به سراغ ملودی‌های ساده برویم.
در موسیقی بی‌کلام من با مخاطبان خاص طرف هستم؛ مخاطبانی که به طور تخصصی موسیقی باکلام و موسیقی بی‌کلام را تعقیب می‌کنند بنابراین در اینجا من به سراغ ملودی‌های پیچیده می‌روم.

– هدف شما جذب مردم است و به نظر من برای رسیدن به این هدف باید از فرهنگ خود مردم بهره جست. فکر نمی‌کنید برای جذب مردم راه اشتباهی را انتخاب کرده‌اید؟

خازنی: ما نمی‌توانیم بگوییم که این ابزار از آن آنهاست، این ابزار را آنها به ثبت رساندند.

رمضانی: این مهم نیست که این ابزار مربوط به کجاست، مهم قدرتمند بودن این ابزار است. متاسفانه ابزار موسیقی ما این قدرت را ندارد.

خازنی: متاسفانه ما در ایران نتوانسته‌ایم این ابزار را به طور صحیح بپرورانیم، در حالی که غربی‌ها به خوبی این ابزار را به خدمت گرفته‌اند. به نظر من ابزار مرز نمی‌شناسد. این ابزار از موسیقی‌های نقاط مختلف مثل موسیقی خود ما استخراج شده است. زمانی خود ما مهد موسیقی بودیم، پس بسیاری چیزها از ما به آنها رسیده است و امروز ما بخشی از آن ابزارها را به طور علمی به خدمت می‌گیریم.

رمضانی: مخاطبی که موسیقیدان نیست، به دنبال استخراج پیچیدگی‌های ملودیک نیست، تعادل‌ها و بالانس‌هایی که در ملودی هست او را جذب می‌کند و این بالانس‌ها عناصری است که ما ذاتاً در خود داریم. این امر احساس خوبی به مخاطب می‌دهد؛ احساس تمام شدن و خوب شدن. اگر لنگ‌هایی وجود داشته باشد آن هم در موسیقی بی‌کلام و انتزاعی، فقط برای کسی که تخصصاً آن نوع موسیقی را دنبال می‌کند جذاب است، ولی برای مخاطبی که در کنار موسیقی کلام را هم دنبال می‌کند، هماهنگی شعر و آهنگ ایجاد جذابیت می‌کند و این موضوع به هیچ ملیتی مربوط نیست.

خازنی: اصلاً اگر این فرم‌ها نباشند نقص موسیقی را نشان می‌دهد. موسیقی بدون فرم، موسیقی بدون قدرت و استحکام است و در ذهن نمی‌نشیند.

– شما در ارکستراسیون، سازها را بر اساس کلیت اثر چیده‌اید یا بر اساس خود قطعه؟

رمضانی: چینش ارکستر به دو مساله برداشت ذاتی و ذهنی تنظیم‌کننده از اثر و برداشت تکنیکی برمی‌گردد. من پیش از نوشتن پارت، اول قطعه را می‌شنوم که حالا ممکن است به همان برداشت ذهنی برگردد. بر اساس آنچه می‌شنوم، سازبندی می‌کنم. ممکن است در این میان جای بعضی سازها عوض شود، اما آنچه به ما خط می‌دهد، شعر و محتوای شعر و خود ملودی است که بر اساس فضای ملودی و توانایی‌های سازها و در نهایت بر اساس تجارب، سازآرایی می‌کنم.

– شما با عقیده ایشان مبنی بر تبعیت ملودی از شعر موافق هستید؟

خازنی: کاملاً. زمانی شعری را برای آهنگسازی به من پیشنهاد می‌کنند، من بر اساس آن شعر آهنگ می‌سازم و این کار را زمانی متوقف می‌کنم که احساس کنم این شعر کشش ملودی‌سازی بیشتر را ندارد. در واقع این شعر است که به من اجازه می‌دهد تا بشکنم یا از قالب‌ها و فراز و نشیب‌های خاص استفاده کنم. این شعر است که با ذوق آهنگساز بازی می‌کند چه در محتوا و چه در تکنیک.

– شما به عنوان آهنگساز برای انتخاب شعر از چه موازین و شرایطی تبعیت می‌کنید؟

خازنی: در وهله اول شعر باید برای من تصویر داشته باشد. زمانی که این تصویر با رنگ‌آمیزی سازها ترکیب می‌شود، دارای جاذبه می‌شود. با توجه به اینکه شعرهای آهنگ‌های من از عشق زمینی تبعیت می‌کنند، تصاویر آنها هم باید مطابق با همان محتوا و همچنین ریتم درونی خود شعر باشد، به این معنا که زمانی که ابتدای شعر با ریتم شش آغاز شود، پس از چند بیت به ریتم دو تغییر کند. من از شعر تبعیت می‌کنم تا تقطیع‌ها و آکسان‌ها به خوبی رعایت شود. اگر این تغییر ریتم‌ها منطقی نباشد و درست جا نیفتد، مخاطب نمی‌تواند آن ملودی را به خوبی هضم کند و اثر ماندگار نمی‌شود. آهنگسازی بر روی هر شعر امکان‌پذیر است، اما در بسیاری از این نمونه‌ها طعم ماندگاری حس نمی‌شود. با کمی دقت در اشعار حافظ می‌بینیم که بر روی بعضی از این اشعار ده‌ها آهنگساز ملودی ساخته‌اند، اما به بسیاری از اشعار حافظ توجه نشده است. چرا؟ برای اینکه آن اشعار قابلیت آهنگسازی ماندگار را ندارند.

– شما به عنوان نوازنده پیانو که پیش از همکاری با آقای خازنی ذهنیت کلاسیک داشتید، زمانی قرار شد با هم همکاری کنید. با توجه به فواصلی که موسیقی ایرانی دارد، با چه تضادهایی مواجه شدید و چگونه با این مساله کنار آمدید؟

رمضانی: این‌طور نیست که تنظیم‌کننده هیچ نوع آشنایی با موسیقی ایرانی نداشته باشد، به هر حال این موضوع با خون هر ایرانی عجین شده است. من هم طبیعتاً با ذات این نوع موسیقی آشنا هستم. پیش از همکاری با آقای خازنی جلسات متعددی با هم داشتیم و من چند کار ایشان را صداربرداری کرده بودم و با ذائقه آهنگسازی ایشان آشنا بودم و ایشان هم ذوق خود را کمی به سمت هماهنگی با قابلیت‌های ارکستر کلاسیک هدایت کرد. این روش ایشان، رفته‌رفته پررنگ‌تر می‌شود کمااینکه پیش از این هم این مطابقت در ذات کارهای ایشان بود. اما در بعضی دستگاه‌ها مثل ابتدای افشاری محدودیت‌هایی وجود دارد که البته با تنظیم این محدودیت‌ها رفع می‌شود.

– به طور کلی از این همکاری راضی بودید؟

رمضانی: بله، من به طور کلی نتیجه مثبتی از این همکاری دریافت کردم و در این گفت‌وگو بجاست که از دوست و همکار گرامی آقای فرشاد حسامی بابت نظرات مفید ایشان در ارتباط با میکس تراک پریچهره تشکر و قدردانی کنم.

خازنی: همکاری گروهی همراه با تعامل بسیار ارزشمند است. زمانی که من با تک‌تک نوازندگان یا شاعران نشست و برخاست دارم، بر اثر این تعامل اشتباهات ناشی از هر دو طرف تذکر داده می‌شود. اگر من اشتباه کنم، از سوی دوستان پی به این اشتباه می‌برم و اگر آنها اشتباه کنند و من متوجه شوم، به آنها این اشتباه را متذکر می‌شوم.

رمضانی: به طور ناخودآگاه زمانی که ما دور هم جمع شدیم، سعی کردیم کارها تک‌بعدی و تکنوازی نباشد و هر کس در حوزه‌ای که بیشتر تخصص دارد با همفکری با گروه کار کند.

خازنی: زمانی من خودم آهنگ می‌ساختم و تنظیم می‌کردم و حتی شعر آن را می‌گفتم، کمی جلوتر که رفتم، احساس کردم می‌توانم ترانه‌سرا را در کنار خود داشته باشم و پس از آن احساس کردم وجود تنظیم‌کننده در مانایی یک اثر بسیار موثر است، بنابراین از این افراد هم استفاده کردم.

رمضانی: نوازنده‌های ایرانی به لحاظ بداهه‌نوازی ممکن است در یک ارکستر اختصاصاً پارتی را بنوازند، اما ما در این گروه برای همه نوازندگان پارت نوشتیم و گروه را به سمت بهره‌گیری از اصول کلاسیک پیش بردیم.

خبر

دونوازی حسین علیزاده و مجید خلج در اروپا

کنسرت بداهه‌نوازی حسین علیزاده و مجید خلج بهمن‌ماه سال جاری در بلژیک و فرانسه برپا می‌شود. این دو نوازنده تنبک و تار طی روزهای ۲۸ و ۲۹ ژانویه برابر با هشتم و نهم بهمن‌ماه در شهرهای بروکسل و همچنین پاریس کنسرت‌هایی می‌دهند. مجید خلج تنبک‌زن مقیم سوئیس است و از اساتید تنبک و سازهای کوبه‌ای ایرانی به شمار می‌رود. او همچنین موسس آموزشگاه تنبک در پاریس و استاد موسیقی آکادمی دولتی موزیک در بازل سوئیس است. حسین علیزاده آهنگساز، ردیف‌دان، پژوهشگر و نوازنده تار و سه‌تار ایران نیز در هنرستان موسیقی ملی نزد هوشنگ ظریف، علی‌اکبر شهنازی و حبیب‌الله صالحی به فراگیری تار پرداخت. پس از دریافت دیپلم از هنرستان به گروه موسیقی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران راه یافت و نزد اساتیدی همچون اکبر شهنازی، نورعلی برومند، یوسف فروتن، عبدالله دوامی، هوشنگ ظریف و... فراگیری موسیقی ایرانی را ادامه داد. علیزاده در این سال‌ها با بزرگانی همچون شجریان، ناظری، کلهر و ... همکاری داشته است. حسین علیزاده سال گذشته نیز در مجموعه کنسرت‌های تابستانی خود با همراهی مجید خلج، مجموعه «نوای نور» را با دونوازی شورانگیز و تنبک اجرا کرده بود.

کنسرت محمدرضا شجریان در دوبی

ایلنا: محمدرضا شجریان و گروه شهناز پنجشنبه ۲۸ بهمن (۱۷ فوریه ۲۰۱۱) در مرکز تجاری دوبی، سالن شیخ راشد، به سرپرستی و آهنگسازی مجید درخشانی کنسرت موسیقی ایرانی برگزار خواهند کرد. این برنامه پس از استقبال بی‌نظیر در انگلستان، استرالیا، امریکا و کانادا در دو بخش دستگاه همایون -رندان مست- و ماهور- بی‌همزبان- همراه با سازهای ابداعی استاد شجریان اجرا خواهد شد. برگزارکننده این کنسرت شرکت Oasis Promotions در دوبی است و با هماهنگی انجام شده با برگزارکننده، کسانی که تمایل به تهیه بلیت از ایران دارند، می‌توانند بلیت خود را از طریق سایت دل‌آواز تهیه کنند.

جشنواره موسیقی فجر ۲ تا ۸ اسفند برگزار می‌شود

ایلنا: بیست و ششمین جشنواره موسیقی فجر از ۲ تا ۸ اسفندماه سال جاری در دو بخش رقابتی و غیررقابتی برگزار می‌شود. بابک رضایی مدیرعامل انجمن موسیقی ایران با اعلام این خبر گفت: «مهلت ارسال پوستر جشنواره موسیقی فجر تا فردا (امروز) تمدید شده است و هفته آینده از این پوستر رونمایی می‌شود.» او افزود: «همچنین در تاریخ ۱۰ بهمن ریز برنامه‌های جشنواره اعلام خواهد شد تا ما بتوانیم طی سه هفته باقیمانده به جشنواره، مسائل اجرایی آن را درست پیگیری کنیم.» مدیرعامل انجمن موسیقی ایران با اشاره به اینکه جشنواره موسیقی فجر در دو بخش رقابتی و غیررقابتی برگزار می‌شود، ادامه داد: «بخش رقابتی در چهار شاخه یعنی آثار کلاسیک، ایرانی، آهنگسازی و آواز جمعی برگزار می‌شود. همچنین در بخش رقابتی گروه‌های مختلفی از داخل و خارج کشور شرکت خواهند کرد.»

برنامه‌های بنیاد بسطامی در هفتمین سالمرگ ایرج بسطامی

فاطمه بسطامی در آستانه هفتمین سالروز درگذشت زنده‌یاد ایرج بسطامی امیدوار است با حمایت هواداران این هنرمند، بنیاد بسطامی بتواند مسیر و هدف این هنرمند را ادامه دهد. خواهر زنده‌یاد ایرج بسطامی درباره برنامه‌های بنیاد بسطامی برای سالروز درگذشت این هنرمند که همزمان با سالروز هفتمین سال از زلزله بم است، گفت: «از آنجا که امسال سالروز درگذشت ایشان با ایام سوگواری ماه محرم تداخل پیدا کرده، لذا برنامه خاصی نداریم و تنها به رسم همیشه با حضور هنرمندان و خانواده ایشان در بم، بر سر آرامگاهشان جمع می‌شویم.» او همچنین درباره برنامه‌های موسسه فرهنگی- هنری و بنیاد زنده‌یاد ایرج بسطامی تصریح کرد: «مهم‌ترین برنامه در دستور کار این بنیاد، برپایی جایزه سال ایرج بسطامی بود که خوشبختانه اوایل آذرماه با معرفی برگزیدگان در تالار وحدت سپری شد.»

بسطامی درباره چگونگی برگزاری دومین دوره این جایزه و انتشار فراخوان آن توضیح داد: «پیشنهادهایی برای دوسالانه‌شدن این جایزه مطرح شد اما هنوز تصمیم قطعی در این رابطه گرفته نشده و از آنجا که بنیاد بسطامی مجموعه نوپایی است، انتظار حمایت‌های بیشتری از آن برای ادامه حیاتش می‌رود.» او ادامه داد: «همین که با وجود مشکلات متعدد چنین حرکتی انجام شد و به نتیجه رسید، یک شاهکار است. ما مسیر سختی را پشت سر گذاشتیم و امیدواریم با همت هواداران و دوستداران موسیقی بتوانیم فعالیت‌های این بنیاد را ادامه دهیم و راه زنده‌یاد بسطامی و امثال او را گسترش دهیم.»

نهمین شماره مجله موسیقی ایرانیان منتشر شد

نهمین شماره مجله موسیقی ایرانیان پانزدهم آذرماه به صورت رایگان و اینترنتی با مطالب اختصاصی منتشر شد. علاقه‌مندان می‌توانند مصاحبه با هنرمندان سبک‌های مختلف موسیقی را در این شماره مطالعه کنند. مجله موسیقی ایرانیان در این شماره از خوانندگان پاپ با محسن یگانه و از اهالی موسیقی کلاسیک ایرانی با هنرمندانی چون پری ملکی، محمد معتمدی، سیامک سپهری (سرپرست گروه رستاک) و... مصاحبه کرده است. دیگر گفت‌وگوی پراهمیت این شماره مصاحبه با دکتر صادق طباطبایی در رابطه با فقه و موسیقی است. از مقالات اختصاصی این شماره می‌توان به نوشته‌هایی چون «بررسی تاثیر پخش سوپرمارکتی بر اوضاع موسیقی کشور»، «نوشته‌ای برای علت موفقیت آلبوم «همه اقوام من» گروه رستاک»، «نوشته‌ای از مارسل پروست نویسنده فرانسوی در ستایش موسیقی زشت»، «آیا نسل جدید موسیقی پاپ ایران زنده خواهد ماند؟»، «نوشته‌ای در باب قانون کپی‌رایت» و نوشته‌ای برای موضوعاتی چون «تاثیر فقدان استاد در موسیقی پاپ نسل امروز» و «سرگرمی یا جدی بودن موسیقی پاپ» اشاره کرد. گزارش‌های اختصاصی مختصر تصویری و متنی از کنسرت‌های اخیر هنرمندان موسیقی کلاسیک چون محمدرضا شجریان، شهرام ناظری، شهداد روحانی (اجرای ارکستر سمفونیک تهران)، حمیدرضا متبسم، کیهان کلهر، جلال ذوالفنون، حسام‌الدین سراج، سامان احتشامی، همایون شجریان، سالار عقیلی، علی قمصری، محسن شریفیان و همچنین گزارشی مختصر از کنسرت‌های اخیر هنرمندان موسیقی پاپ ایران چون احسان خواجه‌امیری، محسن یگانه، رضا صادقی، حمید حامی، بنیامین بهادری، حمید عسگری، علی لهراسبی، فریدون آسرایی، فرزاد فرزین و گروه آریان از مطالب دیگر این شماره به حساب می‌آید. حجم این شماره دو و نیم برابر شماره‌های پیشین این مجله الکترونیکی است و علاوه بر مصاحبه‌هایی که ذکر شد، مقاله‌ها و پرونده‌های مفصلی در رابطه با موضوعات مختلف موسیقی را در خود داراست. از پرونده‌های مهم این شماره می‌توان به «پرونده مفصل کنسرت‌ها در ایران» و «پرونده‌ای مفصل در باب رابطه فقه و موسیقی» اشاره کرد که مطلب دوم حاوی نوشته‌ای به قلم دکتر صادق طباطبایی در رابطه با شناخت اسلام، فقه و رابطه‌اش با موسیقی است. از دیگر مطالب این شماره می‌توان به معرفی همه آلبوم‌های موسیقی کشور (در سبک‌های گوناگون) که از اول خرداد تا ۱۰ آبان منتشر شده‌اند و تعدادشان به حدود ۸۰ آلبوم می‌رسد، اشاره کرد.

اردشیر صالح‌پور: ترانه‌ها و تصنیف‌ها وامدار تعزیه هستند

اردشیر صالح‌پور گفت: «وقتی تعزیه در ایران ممنوع اعلام شد، موسیقی تعزیه‌های قدیمی و سنتی ایرانی در ذهن و روح مردم باقی ماند و به شکل تصنیف و ترانه‌های ماندگار مردمی رخ نمود و این همان رازی است که تصنیف‌های قدیمی همچون مرغ سحر را جاودان کرده است.» به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی موسیقی ایران این پژوهشگر و استاد دانشگاه درباره نگارش کتاب و آلبوم «پیشخوانی تعزیه» که از سوی حوزه هنری رونمایی می‌شود، به خبرنگار «ای» گفت: این مجموعه گامی است در جهت استحکام هنر اصیل تعزیه در ایران که در حال حاضر در قشر جوان تعزیه‌خوان ما تغییر شکل داده و آرام‌آرام از شکل واقعی آن خارج می‌شود. وی با بیان اینکه این مجموعه کتاب و سی‌دی نتیجه سال‌ها زحمت و پژوهش درباره نغمات آوازی شبیه‌خوانی است، افزود: پیشخوانی تعزیه مقدمه آوازی آغازین تعزیه به شمار می‌رود که توسط کلیه اعضای گروه به صورت تکخوانی، دوخوانی و همسرایی به همراهی موسیقی و به اقتضای هر مجلس خوانده می‌شود و مخاطب را به نوعی برای پذیرش هر مجلس تعزیه آماده می‌کند. این پژوهشگر ادامه داد: این پیشخوانی‌ها یکی از بخش‌های جذاب تعزیه به شمار می‌رود که از دوره ناصری آغاز شد و پس از ممنوع شدن تعزیه توسط دولت به شکل تصنیف‌های ملی رخ نمود و به شکل ترانه‌های مشهور و ماندگار افرادی همچون علی‌اکبرخان شیدا، عارف قزوینی، داریوش رفیعی و... سروده و خوانده شد.

صالح‌پور با بیان اینکه این همان راز ماندگاری تصنیف‌هایی همچون مرغ سحر است، بیان داشت: این مجموعه ۳۳ نوع از پیشخوانی‌های فراموش‌شده ایران است که به شکل چهار ساعت موسیقی آوازی ایران تعزیه در قالب چهار سی‌دی و یک جلد کتاب ۱۵۰صفحه‌ای برگرفته از مطالب بزرگانی مانند روح‌الله خالقی، صبا، بیضایی، شهیدی، سپانلو، اخوت، بدیع‌زاده و بوذری که آشنایی کامل به فرهنگ تعزیه داشته‌اند، جمع‌آوری و توسط نشر حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی منتشر شده است. این استاد دانشگاه تصریح کرد: برخی از این پیشخوانی‌ها نمونه‌های تطبیقی مشهوری دارند که از سال‌های پس از رفع ممنوعیت تعزیه تاکنون، از سوی خوانندگان موسیقی ایرانی در قالب تصنیف و ترانه ارائه شده و نشانگر غنای ارزشمند تعزیه به عنوان میراث فرهنگی و تجلیل‌گاه ذوق و قریحه و اعتقادات ایرانیان در این زمینه است. وی افزود: در این پژوهش تلاش شده این شباهت‌ها پیدا شده و به آنها و نمونه‌سازی‌های مشابهش استناد شود.